

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»

سال چهارم/ شماره دوم/ تابستان ۱۳۹۵

تحلیل آواشناختی سجع در قرآن کریم از منظر انسجام بخشی به متن (بررسی

موردی سوره‌های طور، نجم، قمر، رحمن و واقعه)

احمد پاشازانوس^۱ و مریم فولادی^۲

چکیده:

امروزه با گستردگی مباحث زبان‌شناسی متن، افق‌های نوینی در مطالعه‌ی متن قرآن گشوده شده است. انسجام یکی از معیارهای مهمی است که در متنیت متن دخیل بوده و در بحث‌های زبان‌شناسی متن نیز اهمیت زیادی یافته است و در سطوح مختلفی قابلیت بررسی دارد. یکی از بارزترین جلوه‌های انسجامی در قرآن کریم، انسجام آوایی حاصل از فواصل آیات است که با برقراری ارتباط و هماهنگی میان آیات، پیوند ناگسستنی میان آن برقرار کرده است، لذا با توجه به جایگاه برجسته‌ای که عامل آوایی سجع در ارتباط و یکپارچگی میان آیات دارد و با توجه به اینکه این عنصر آوایی بیشتر در حوزه‌ی بلاغت سنتی مورد توجه قرار گرفته و به جنبه‌ی انسجامی آن کمتر پرداخته شده است، لذا پژوهش حاضر بر آن است تا کارکرد انسجامی سجع را به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی در چندسوره مورد بررسی قرار دهد، آن‌طور که از نتایج پژوهش برمی‌آید، کارکرد آوایی سجع، نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در ارتباط و به هم پیوستگی آیات دارد که توانسته در کنار دیگر عوامل انسجامی منجر به انسجام تمام متن سوره شود.

کلید واژه: قرآن، ساختار آوایی، سجع، انسجام

**تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۸/۱۰

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره ahmad_pasha95@yahoo.com

^۲ نویسنده مسئول: کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره maryamfouladi98@yahoo.com

۱- مقدمه:

عوامل بسیاری در اعجاز والای قرآن دخیل اند که این عوامل در گذر تاریخ و از بدو نزول قرآن مورد توجه محققان بسیاری، اعم از مفسران، لغویها، نحویها و... قرار گرفته است. امروزه نیز این عوامل از جنبه‌های گوناگونی چون؛ زبانشناسی، جامعه شناسی، معناشناسی، روانشناسی و حتی پزشکی و دیگر علوم مورد پژوهش قرار گرفته است. با این حال قرآن، این کتاب آسمانی، هنوز هم جای بحث و بررسی بسیاری دارد به طوری که هیچ کس نمی-تواند ادعا کند که به طور کامل آن را شناخته و درک نموده است، چه بسا بسیاری از وجوه پنهان این گوهر تابناک الهی سال‌ها بعد روشن و آشکار گردد چرا که خداوند رحمن و رحیم آن را هدیه‌ی راه تمامی آدمیان و در تمامی اعصار قرار داده است تا با کنکاش در آن راه هدایت را بیابند.

یکی از این عوامل که بررسی آن در قرآن ضروری می نماید، بعدآوایی آن است. بُعدی که سبب شده، قرآن در یک شکل ادبی کاملاً منسجم و به هم پیوسته جلوه‌گری نماید. چراکه ارتباط اجزای متن توسط عوامل بدیعی، انسجام آوایی متن را در پی خواهد داشت که اهمیت بالایی در مباحث زبانشناسی دارد. علت این اهمیت نیز این است که متنی که از انسجام برخوردار است خالی از ابهام بوده، فهم آن راحت‌تر و سریع‌تر است و در نتیجه ماندگارتر خواهد بود. قابل ذکر است که بحث انسجام در زبانشناسی، از حجم گسترده‌ای برخوردار است؛ و مشتمل است بر سطوح واژگانی، دستوری و آوایی که هر یک از این سطوح شامل زیر مجموعه‌هایی هستند که در مجموع به انسجام متن می‌انجامد. اما از آنجایی که بررسی متن قرآن، از منظر انسجام آوایی آن کمتر در میان پژوهش‌ها دیده می-شود از این رو ضرورت پژوهش در این زمینه به وضوح احساس می‌شود؛ لذا پژوهش حاضر، محدود به بررسی یکی از این سطوح، یعنی سطح آوایی آن در یک عنصر مهم آوایی یعنی سجع شده است تا بتواند تصویری کامل و روشن از کارکرد انسجامی آن ارائه دهد و معیار در انتخاب سوره‌ها، این بوده تا سوری گزینش شود که از نظر ساختار آوایی سجع، برجستگی ویژه‌ای را دارا هستند، تا هرآنچه که از آن بیان می‌شود، برای خواننده محسوس‌تر باشد.

لذا این تحقیق با جمع آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی با استقراء تام داده‌های تحقیق و نیز رویکردی آماری در پنج سوره‌ی طور، نجم، قمر، رحمن و

واقعه در پی پاسخگویی بدین سوال است که ساختار آوایی سجع چگونه انسجام آوایی متن سوره‌ها را در پی داشته است؟ و فرضیه‌ای که بر این سوال متصور می‌گردد، بدین گونه است که ساختار آوایی با کارکرد هم‌آوایی در فواصل آیات و ایجاد یکپارچگی و ارتباط آوایی در آیات، ابتدا باعث انسجام در ساختار آیات و در نتیجه انسجام در تمامی متن سوره‌ها شده است.

۲. پیشینه تحقیق:

با نگاه به پژوهش‌های، صورت گرفته در مورد عوامل بدیعی چون سجع، در می‌یابیم که بسیاری از این پژوهش‌ها بیشتر از جنبه‌های بلاغت سنتی بدان نگریسته‌اند، که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بررسی اسلوب سجع در قرآن، نوشته‌ی علیرضا بخشیان بافرانی. (قم، ۱۳۸۹)

تاثیر فاصله بر آهنگ قرآن، حمیده حیدری زفره. (قم، ۱۳۸۸)

فواصل الآیات القرآنیة فی الجزء الثلاثین من القرآن، فاطمه حیدری. (تربیت معلم، ۱۳۸۲)

هرچند که این مباحث به شکل سنتی آن بسیار ارزشمند است و حتی پایه و اساس بررسی‌ها و نظریات جدید، می‌باشد ولی توجه به متن قرآنی از منظر مباحث جدیدی که در تحلیل متن به کار گرفته می‌شوند، این پژوهش‌ها را کامل‌تر ساخته و وجوه اعجازی قرآن را بیشتر نمایان می‌سازد. در این میان رساله‌ای که در بررسی انسجامی متن قرآن به عنصر آوایی سجع نیز پرداخته است، رساله‌ی دکتری، نوال لخلف، تحت عنوان: الإنسجام فی القرآن الکریم-سورة النور أنموذجاً- (جامعة الجزائر، ۲۰۰۶) می‌باشد.

۳. زبانشناسی متن

زبانشناسی متن یکی از شاخه‌های زبانشناسی است که به بررسی متون به عنوان واحد کلان زبانی می‌پردازد و این بررسی، جنبه‌های متنی مانند انسجام و پیوستگی و انواع آن، ارجاع یا مرجعیت و انواع آن و بافت متن و نقش مشارکین متن (فرستنده و گیرنده) را شامل می‌شود و متضمن هم متن گفتاری و هم نوشتاری است. (نظری، ۱۳۸۹، ش، ۵۴)

به عبارت دیگر متن عبارت است از یک یا چند جمله‌ی بهم پیوسته که پیام معینی را می‌رساند و هر متنی دارای عناصر زبانی است که این پیوستگی را محقق می‌سازند، این عناصر اصطلاحاً عناصر انسجام‌آفرین (یا به عبارتی کوتاهتر عناصر انسجامی) نامیده می‌شوند. (بهنام، ۱۳۸۱ش، ۶۲)

۳-۱- انسجام

انسجام به مناسبات معنایی‌ای اشاره دارد که میان عناصر یک متن وجود دارد و به واسطه‌ی عمل آنها تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر می‌گردد: یک عنصر، عنصری دیگر را پیش‌انگاری می‌کند و بدون توسل به آن نمی‌تواند رمزگشایی شود. این مناسبات به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را همچون متن، از مجموعه‌ای از جمله‌های جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازند. البته این تمایز قطعی نیست بلکه به درجات است. متن یک واحد معنایی است و نه واحدی صوری در نتیجه، نمی‌توان گفت که متن از جمله‌ها ساخته می‌شود، بلکه باید گفت که متن در جمله‌ها تحقق می‌یابد و رمزگذاری می‌شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳) گرچه به نظر هلیدی و حسن متن یک واحد معنایی است، اما روابط معنایی درون متن در سطح رویین متن و به واسطه‌ی ابزارهای دستوری و واژگانی تجلی می‌یابد. پس انسجام، روابط معنایی عناصر سطحی متن است که با ایجاد ارتباط بین زنجیره‌ای از جملات آن را تحت عنوان یک کل یکپارچه به نام متن در می‌آورد. (نظری، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶) و به تعبیر دوبوگراند و درس‌لر «عاملی است که مولفه‌های روساختی متن یا کلام را در واقع آن گونه که ما آن را می‌شنویم و می‌بینیم با یکدیگر پیوند می‌دهد.» (البرزی، ۱۳۸۶ش، ۱۵۲)

ما نمی‌توانیم بگوییم که انسجام، بحثی است که در این دوره شکل گرفته و در گذشته و میان علماء قرون پیش وجود نداشته است؛ بلکه بحث انسجام در آثار و اندیشه‌های پیشینیان بالاخص کسانی که به زبانشناسی قرآن مشغول بودند، وجود داشته است، هر چند که به این عنوان نبوده و بیشتر تحت عنوان «نظم» مطرح شده است. اما امروزه وقتی سخن از انسجام متن می‌شود، بی‌درنگ نظریه‌ی انسجام هلیدی و حسن در اذهان تداعی می‌شود؛ چرا که این دو در کتاب خود به نام (Cohesion in English) به توضیح و تبیین انسجام و عوامل آن پرداختند و ۵ نوع ابزار انسجامی را که شبکه‌ای از روابط معنایی در

سطح متن تولید می‌کنند، ارائه داده‌اند که عبارتند از: ارجاع، جایگزینی، حذف، وصل و انسجام واژگانی. البته در کنار عوامل اصلی فوق، آن دو به مجموعه‌ای از ابزارهای شکلی دیگری که به انسجام متن می‌انجامند، تاکید نمودند، مانند: موازات، وزن و بحر، هارمونی و قافیه. (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ۶) به اعتقاد هالیدی و حسن اهمیت انسجام در این است که جملات معمولاً فرمی به خود می‌گیرند که با جملات قبل و بعد از خود ارتباط می‌یابند و لذا لازم است هر جمله حاوی یک یا چند رابط باشد که آن را به جملات قبل و بعدش مرتبط سازد. (فرج، ۲۰۰۷، ۸۰)

از این رو هالیدی و حسن را می‌توان نخستین کسانی بدانیم که در رابطه با انسجام، البته در زبان انگلیسی تحقیق و بررسی و نظریه‌پردازی کرده‌اند، حال ممکن است این نظریه با ویژگی‌های زبان عربی و قرآن مطابقت داشته باشد و یا در برخی از موارد با آن همخوانی نداشته باشد. بعد از هالیدی و حسن، دوبوگراند و درس‌لر در سال ۱۹۸۱ الگوی کامل و جامعی نسبت به متن ارائه کردند. آنها متن را نوعی نمود ارتباطی می‌دانند با هفت ویژگی: انسجام، پیوستگی معنایی، هدفمند بودن، پذیرفتنی بودن، حاوی اطلاعات بودن، ویژگی موقعیتی، ویژگی درون متنی. (آقا گل زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۳۱)

از دیگر کسانی که در این زمینه به پژوهش پرداخته است محمد خطابی می‌باشد، وی در کتاب (لسانیات النص) خود انسجام متن را در ۵ دسته‌ی (سطح نحوی، سطح واژگانی، سطح معنایی، سطح کاربردشناختی و سطح بلاغی) مورد بررسی قرار می‌دهد. (ر.ک. خطابی، ۲۰۰۶م، ۲۱۱)

گوت‌وینسکی نیز معتقد است که «متون ممکن است که انسجام ضعیف‌تر و یا قوی‌تری داشته باشند اما هیچ متنی، بدون انسجام، وجود نخواهد داشت.» بر این اساس می‌توان گفت که متنی اگر متن باشد، باید ویژگی اصلی خود را که همان داشتن انسجام است، داشته باشد، بنابراین، ابزار اصلی برای تشخیص متن از غیر متن، به ویژه متن نوشتاری، انسجام است. (ایشانی ونعمتی قزوینی، ۱۳۹۲ش، ۷۴)

بنابراین باید گفت که انسجام یکی از مهم‌ترین معیارهای متوارگی در نزد زبان‌شناسان متن و عنصر جوهری در تشکیل و تفسیر متن است که به اعتقاد خود هالیدی و حسن اهمیت آن،

در این است که جملات معمولاً فرمی به خود می‌گیرند که جملات قبل و بعد از خود ارتباط می‌یابند و لذا لازم است هر جمله حاوی یک یا چند رابط باشد که آن را به جملات قبل و بعدش مرتبط سازد، از این رو باید گفت که انسجام به عنوان جزئی از نظام زبان در فرایند فهم و تفسیر متن و در زمینه آموزش مهارت‌های درک و تسریع در قرائت متن مورد توجه است. (نظری، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹) از این رو برای ماندگاری یک متن، وجود انسجام در آن ضروری می‌نماید. چیزی که اگر در قرآن کریم وجود نداشت بعد از طی قرن‌ها، به همان صورت ماندگار نمی‌ماند لذا کارکرد انسجامی ساختار آوایی از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که اگر این ساختار آوایی به گونه‌ای دیگر، در متن قرآن وارد می‌آمد، متن آن را دچار تزلزل کرده و عدم ماندگاری آن را سبب می‌گشت، از این رو وقتی می‌بینیم متن قرآنی در این حد از ثبات و ماندگاری قرار دارد، پس بدون شک عواملی در آن دخیل بوده‌اند که ناگزیر برای فهم بهتر آن باید مورد تحلیل قرار گیرند، که یکی از این عوامل، وجود سجع در متن قرآنی است.

۳-۲- انسجام آوایی

ساختار متون نوشتاری و یا گفتاری اساساً بر مبنای انسجام صوتی است، لذا انسجام آوایی جایگاه وسیعی در تحقیقات و پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی تحلیل گفتمانی و زبان‌شناسی متن می‌باشد، یافته است و ایجاد انسجام توسط آواها، ارتباط محکمی، به چگونگی توزیع اصوات و آواها در کلام دارد، از این رو پدیده‌ی آوایی تابع موقعیت و جایگاه اصوات و هماهنگی و همسازی آنها دارد. (بحری، ۲۰۱۰م، ۴-۵)

هرچند که متاسفانه اغلب زبان‌شناسان متن پیوستگی آواشناسی را از قبیل وزن، قافیه، نمادپردازی آوایی، آهنگ و ساختار و قافیه بیشتر در متون هنری اهمیت دارند و کمتر در متون روزمره یا متون تخصصی به کار می‌روند؛ در نظر نمی‌گیرند؛ (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۰۹) اما باید گفت که نقش آواها و عوامل آوایی، در انسجام بخشی به متن، انکار ناپذیر است و همین امر نیز موجب شده است تا خداوند، در قرآن کریم، به این مهم توجه ویژه داشته باشد و متن قرآن را بدین وسیله هرچه بیشتر منسجم سازد، زیرا هرچه قدر که یک متن از انسجام بیشتر و قوی‌تری برخوردار باشد، ماندگارتر خواهد بود و بهتر و سریع‌تر در اذهان جای خواهد گرفت.

ساختار آوایی متن قرآن، در عناصر مختلفی قابل بررسی است؛ از جمله‌ی این عناصر: سجع، جناس، موازات، ترصیح، التزام و تصدیر و... است. این پژوهش برآن است تا یکی از این عوامل (سجع) را که نقش اساسی در انسجام آوایی متن قرآن داشته است و از بسامد بالاتری نیز در متن قرآن برخوردار است، به صورت کامل در چند سوره مورد بررسی قرار دهد.

۴. سجع

۴-۱- تعریف سجع

سکاکی سجع را به طور خلاصه چنین تعریف کرده است: «الإسجاع فی النثر کما فی القوافی فی الشعر» (السکاکی، ۱۹۸۱م، ۶۷۲) و ابن جنی در این باره می‌گوید: «سمی سجعاً لاشتباه أواخره و تناسب فواصله». (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ۱۷۶۱)

سجع در ادبیات عربی، فن معروفی به حساب می‌آید که ابن جنی در مورد زیبایی کلام مسجوع می‌گوید: هرگاه، سخن و مثلی مسجوع باشد، در نتیجه شنونده از آن لذت برده، آن را به ذهن می‌سپارد. در غیر این صورت با آن مأنوس نشده و آن را به خاطر نخواهد سپرد. (مطلوب، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ۱۴۴-۱۴۵)

به طور کلی می‌توان گفت که سجع ویژگی بنیادین زبان عربی است و میدان بروز و نمایش استعدادها و خلاقیت‌های ادبی عرب زبانان در کارکردهای گوناگون کلام. اهمیت سجع تا بدان جاست که عموماً بزرگترین سخنوران عرب سجع را سرمایه‌ی اصلی کار خویش می‌ساخته‌اند و با آن سجع، دلها را می‌ربوده اند جانها را به بند می‌کشیدند. (محبتی، ۱۳۸۰ش، ۶۶)

سجع گرچه به عنوان یک آرایه بدیعی مطرح است و نگاه بلاغیون بدان بیشتر از جنبه‌ی زیبایی شناختی است اما در حوزه‌ی زبانشناسی متن، سجع را باید از زاویه‌ی انسجامی نگریست، از این رو با توجه به اینکه سجع از همراهی و مشارکت دو عبارت یا دو جمله و بیشتر در حروف پایانی واژه‌ی پایانی ایجاد می‌شود، باید گفت سجع در کمترین خاصیت انسجامی نیز دو جمله یا عبارت را در متن با هم همراه می‌سازد. (نظری، ۱۳۸۹ش، ۲۶۶)

« سجع به همراه دیگر عناصر دستوری و واژگانی انسجام در ایجاد نوعی یکپارچگی و وحدت متنی مشارکت دارد، پایانه‌های مشابهت که سجع می‌سازد بدان پشتوانه‌ای آوایی می‌دهد که یک ابزار قوی اقناعی محسوب شود. به ویژه اگر بین دو کلمه مسجوع رابطه‌ی آوایی برقرار باشد و آوردن سجع زمینه‌ای برای نویسنده فراهم می‌سازد تا غنای واژگانی و زبانی خود را نمایان سازد.» (فرج، ۲۰۰۷م، ۱۱۶-۱۱۸)

از این رو سجع در قرآن از اهمیت بالایی برخوردار است تا جایی که خداوند برخی از سوره‌ها چون (قمر، رحمن، نجم) را سراسر مسجوع آورده است و از طریق آواهایی که در سجع‌ها به صورت نظام‌مند و موزون ترتیب یافته‌اند و جایگاه خاصی در متن دارا می‌باشند، انسجام ساختاری و آوایی متن را موجب گشته‌است.

۴-۲- نوع و بسامد سجع

با وجود برخی اختلاف‌نظرهایی که در تقسیم‌بندی سجع در کتب سنتی وجود دارد ولی آنچه که پسندیده‌تر می‌باشد و در اکثر کتب بلاغی سنتی و نیز در زبانشناسی جدید که بر اساس تکرار آوایی ناقص می‌باشد، بدان شیوه مطرح شده است، به صورت سجع متوازی، مطرف، و متوازن است.

نوع سجعی که در سوره مورد بحث به کار رفته است تنوع بالایی دارد، به گونه‌ای که تمامی انواع سجع را در خود جای داده است، که این نیز یکی از جنبه‌های اعجازی قرآن کریم است، چراکه با توجه به موقعیت آیات سجع‌های گوناگون آمده است تا بدین وسیله انسجام آوایی میان عبارات رعایت گردد. به عبارت دیگر برخی از آیات به وسیله سجع متوازی که بالاترین نوع سجع می‌باشد به یکدیگر پیوند خورده‌اند درحالی‌که برخی از آیات با سجع متوازن که ضعیف‌ترین نوع سجع محسوب می‌شود به هم پیوند خورده‌اند، در نتیجه مجموع این سجع‌ها موجب انسجام تمامی متن سوره شده است

۴-۲-۱- سجع متوازی

سجع یا فاصله‌ی متوازی آن است که دو فقره، هم در وزن و هم در حرف پایانی یکسان باشند. (الهاشمی، ۱۴۱۷م، ۴۰۴)

تفاوت سجع متوازی با قافیه از نظر ساختار آن است که در قافیه صحت هجای قافیه شرط است و تساوی هجاهای کلمات قافیه شرط نیست، حال آنکه در سجع متوازی، تساوی هجاهای کلمات مسجع از نظر عدد و کمیت شرط است. برای مثال تقفیه (شکست و بست) درست است اما اطلاق سجع متوازی به آنها صحیح نیست. (طاهرخانی، ۱۳۸۳ش، ۸۷/شمیسا، ۱۳۸۶ش، ۳۴)

این نوع سجع که هنری ترین و آهنگین ترین و زیباترین نوع سجع است، بسامد بسیار بالایی در سوره مورد بحث دارد، از جمله‌ی این نمونه‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

آیات ۲-۴ سوره طور: (وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ * فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ * وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ)

آیات ۱-۳ سوره نجم (وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ)

آیات ۱۹-۲۰ سوره قمر (إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَّخْلٍ مُّنْقَعِرٍ)

آیات ۱-۳ سوره رحمن (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ)

آیات ۱- سوره واقعه ۳ (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَادِبَةٌ * خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ)

همانطور که می‌بینیم هماهنگی آیات میان (مسطور- منشور- المعمور)، (هوی- غوی- الهوی)، (مستمر- منقعر)، (الرحمن- القرآن- الإنسان) و (الواقعة- کاذبه- رافعة) در وزن و حرف روی موجب ارتباط آوایی و در نتیجه انسجام آیات شده است.

بدین روی سجع گاه میان تعداد فقرات کمتری ایجاد ارتباط می‌کند و لکین در برخی از مقاطع این ارتباط آوایی میان تعداد فقرات بیشتری ایجاد می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

آیات ۴۳-۵۴ سوره نجم

(وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ * وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا * وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ * مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ * وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ * وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَىٰ وَأُفْنَىٰ * وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ * وَأَنَّهُ

أَهْلَكَ غَادًا الْأُولَى * وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى * وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى *
وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى * فَغَشَّاهَا مَا عَشَى)

آیات ۴۵-۵۰ سوره قمر (سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُوَلِّونَ الدَّبْرَ * بِلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى
وَأَمْرٌ * إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ * يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ
سَقَرٍ * إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ * وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ)

در این آیات کلمات (أَبْقَى - أَحْيَا - الْأُنثَى - تُمْنَى - الْأُخْرَى - أَقْنَى - الشُّعْرَى - الْأُولَى - أَبْقَى -
أَطْعَى - أَهْوَى - عَشَى) و کلمات (الدَّبْر - أَمْرٌ - سَعْرٍ - سَقَرٌ - قَدْرٌ - الْبَصَرِ) زنجیره‌ای مشابه و
هماهنگی را ایجاد کرده‌اند که موجب ایجاد ارتباط آوایی میان جملات مستقل از هم شده
است، و از آنجایی که هرچقدر طول زنجیره‌ی سجع بیشتر باشد، حجم بیشتری از متن را
منسجم می‌سازد، لذا می‌بینیم که در این مقاطع از متن جملات متعدد با محتوایی متفاوت،
به سبب هم‌آوایی و هماهنگی ساختاری، به صورت یکپارچه و به هم تنیده جلوه‌گری می‌-
کند لذا سجع متوازی در این مقاطع نسبت به آیاتی که صرفاً میان دو آیه تشکیل سجع
داده‌اند، حجم بیشتری از متن را منسجم ساخته است.

۴-۲-۲- سجع مطرف

سجع مطرف که سجع معطوف هم گفته می‌شود، آن است که دو واژه در حرف روی با
یکدیگر هماهنگ باشند، ولیکن در وزن مختلف می‌باشند. (الحسنای، ۱۴۲۱ق، ۱۴۹)

این نوع از سجع که در مرتبه‌ی دوم از قوت و ضعف به لحاظ ایجاد هماهنگی آوایی میان
عبارات قرار دارد، در سوره‌های مورد بحث از بسامد بالایی برخوردار است که از جمله‌ی آنها
می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

آیات ۱۱-۱۲ سوره طور (الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ * يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ)

آیات ۵۵-۵۶ سوره نجم (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى * هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذَرِ الْأُولَى)

آیات ۱-۲ سوره قمر (اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ * وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ
مُّسْتَمِرٌّ)

آیات ۴-۷ سوره رحمن (عَلَّمَهُ الْبَيَانَ* الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ* وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ*
وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ)

آیات ۴۲-۴۴ سوره واقعه (فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ* وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ* أَلَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ)

در این سوره نمونه‌هایی نیز هستند که این عمل انسجامی را در بخش گسترده‌ای از متن موجب شده‌اند:

آیات ۳۰-۳۷ سوره نجم (ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ
أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى* وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا
وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى* الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ
وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا
أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى* أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى* وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى* أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ
فَهُوَ يَرَى* أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى* وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى)

آیات ۳۷-۴۵ سوره قمر (وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرْ* وَلَقَدْ
صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ* فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرْ* وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن
مُّدْكِرٍ* وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ* كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ* أَكْفَارِكُمْ
خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ* أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ* سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ
وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ)

آیات ۵۶-۷۳ سوره واقعه: (هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ* نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ* أَفَرَأَيْتُمْ
مَا تُمْنُونَ* أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ* نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ*
عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ* وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ*
أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ* أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ* لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَلْتُمْ
تَفَكُّهُونَ* إِنَّا لَمُعْرَمُونَ* بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ* أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ* أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ
مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ* لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ أَجَاغًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ* أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي
تُورُونَ* أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ* نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكِّرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ)

اشتراک کلمات (اهْتَدَى- الْحُسْنَى- اتَّقَى- تَوَلَّى- أُكْدَى- يَرَى- مُوسَى- وَقَى)، (نَذِر- مُسْتَقِرٌّ - نَذِر - مُدَكِّر - النَّذْر - الدُّبْر - الزُّبْر - مُنْتَصِر - مُقْتَدِر) و (الدِّين - تُصَدِّقُونَ - تُمْنُونَ - الْخَالِقُونَ - بِمَسْبُوقِينَ - تَعْلَمُونَ - تَذَكَّرُونَ - تَحْرُثُونَ - الزَّارِعُونَ - تَفَكَّهُونَ - لَمُعْرَمُونَ - مَخْرُومُونَ - تَشْرَبُونَ - الْمُنْزِلُونَ - تَشْكُرُونَ - تُورُونَ - الْمُنْشِئُونَ - لِلْمُؤْمِنِينَ) در حرف روی، موجب همسانی آیات در ساختار آوایی شده که در نتیجه ارتباط و پیوستگی زنجیره‌ی وسیعی از آیات را به دنبال داشته است و چون، هرچه تعداد فقرات متوالی‌ای که به وسیله‌ی یک نوع سجع به هم مرتبط باشند، انسجام آوایی حاصل از آنها بیشتر می‌شود، لذا انسجام آوایی در این قسمت از آیات، بسیار بیشتر از بخش‌های دیگر، جلوه‌گری می‌کند و یکپارچگی متن نمود بیشتری دارد.

۴-۲-۳- سجع متوازن

سجع متوازن، آن است که کلمات با یکدیگر هم وزن هستند ولی در حروف روی متفاوتند. (السیوطی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۳۹)، یعنی کلمات فقط هم وزن هستند که از دیدگاه موسیقی، سجع متوازن ضعیف‌ترین نوع سجع می‌باشد. (طاهرخانی، ۱۳۸۳ش، ۸۸)

از آنجایی که این نوع سجع در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد به نسبت سجع متوازی و مطرف از بسامد کمتری نیز در سوره‌ها برخوردار است به طوری که در سوره‌ی نجم و قمر هیچ نمونه‌ای را به خود اختصاص نداده است و در سوره‌ی رحمن نیز صرفاً در یک مقطع آمده است.

از نمونه‌های سجع متوازن در سوره‌های مورد بحث می‌توان به این موارد اشاره کرد:

آیات ۴-۶ سوره طور (وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ * وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ * وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ)

آیات ۱۱-۱۲ سوره رحمن (فِيهَا فَآكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ)

آیات ۹۴-۹۶ سوره واقعه (وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ * فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ)

۱- همانطور که می‌بینیم کلمات (المعمور- المرفوع- المسجور) (الأكمام-الريحان) و (جَحِيمٍ - الْيَقِينِ - الْعَظِيمِ) به وسیله اشتراکی که در وزن عروضی با یکدیگر

دارند، در ضعیف‌ترین حالت خود نیز به نوعی میان آیات پیوند آوایی برقرار کرده‌اند، و این پیوند به وسیله‌ی سجع‌های دیگر که این آیات با آیات قبل و یا بعد از خود تشکیل داده‌اند، مستحکم‌تر شده و انسجام آوایی آن محسوس‌تر گشته است، از این رو می‌بینیم که آیه ۴ سوره‌ی طور که با آیات ۵ و ۶ تشکیل سجع متوازن را داده است، با آیه‌ی قبل از خود (فی رقی منشور) تشکیل سجع متوازی را داده است که به لحاظ آوایی در بالاترین رتبه قرار دارد. یا در آیات ۱۱-۱۲ سوره‌ی رحمن هر یک از این دو آیه با آیات قبل و بعد از خود، به صورت جداگانه تشکیل سجع مطرف داده و ارتباط میان آیات محکم‌تر شده است، همچنین اگر به آیات قبل و بعد از آیات ۹۴-۹۶ سوره واقعه دقت شود، آشکار می‌گردد که این آیات، با آیه ۹۳ (فُنزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ) تشکیل سجع متوازی داده تا ضعفی که سجع متوازن در ایجاد انسجام میان آیات دارد، را به‌گونه‌ای جبران نموده، و در نتیجه انسجام آوایی در سوره را تقویت کرده و محسوس‌تر نماید.

۴-۳- مسافت سجع

سجع می‌تواند علاوه بر انواعی که دارد از بُعد دیگری چون بُعد مسافت نیز مورد بررسی قرار گیرد، که این جنبه از سجع از جنبه‌های مهم انسجامی به شمار می‌آید.

به عبارت دیگر این عنصر آوایی از چند جهت بسیار حائز اهمیت است، اول این که در ارتباط بین جملات سهیم است و ثانیاً استفاده از آن مستلزم برخورداری نویسنده یا گوینده از دایره‌ی واژگانی گسترده است و ثالثاً آوردن سجع در متن گاهی باعث ایجاد حذف و یا تکرار و جایگزینی‌هایی در متن می‌گردد. به عبارت دیگر این عامل انسجامی با دیگر عوامل واژگانی و دستوری در تعامل مستقیم است. اما آنچه که در رابطه‌ی سجع با انسجام بیشتر مدنظر است طول قرینه‌های سجع است؛ که تقسیم‌بندی طول اسجاع از نکته‌های جالب و حائز اهمیت در بلاغت قدیم است که توجه به چگونگی قرینه‌های سجع توسط علمای بلاغت نشانگر اهمیت سجع از دید ایشان در یکپارچگی متن است. (نظری، ۱۳۸۹ ش، ۹۸-

برخی چون ابن اثیر طول زنجیره‌ی سجع را به دو دسته‌ی قصیر و طویل تقسیم بندی کرده- اند(ر.ک؛ ابن اثیر، بی تا، ۲۵۷-۲۵۸) ولی گاه مسافت سجع، با توجه به تعداد کلمات به کار رفته در آن آیات در سه نوع کوتاه و متوسط و طولانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که منظور از فقره کوتاه این است که از یک لفظ و یا چند حرف تشکیل شده باشد، منظور از فقرات طولانی نیز فقراتی هستند که از ۱۰ کلمه تشکیل شده‌اند و فقرات متوسط چیزی ما بین این دو است.(الحسنای، ۱۴۲۱ق، ۱۵۲-۱۵۱)

هر کدام از این انواع دوگانه و یا سه گانه به نوعی ارتباط و پیوند میان جملات و آیات را سبب می‌شوند بدین گونه که فقرات طولانی، حجم وسیع تری از متن را به لحاظ آوایی به یکدیگر پیوند می‌دهند و فقرات کوتاه‌تر حجم کمتری از متن را در تعداد آیات بیش‌تری منسجم می‌سازند.

۴-۳-۱- سجع کوتاه

نمونه‌های سجع کوتاه که تعداد جملات بیشتری را به هم پیوند می‌دهد را می‌توان در آیات اولیه‌ی سوره‌ی طور و رحمن مشاهده کرد:

آیه ۱ سوره طور (وَالطُّورِ)

آیه ۱ سوره رحمن (الرَّحْمَنِ)

۴-۳-۲- سجع متوسط

اما سجع با طول متوسط از بسامد بالاتری نسبت به سجع کوتاه و طولانی، دارد که از نمونه- های زیبای آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

سوره طور (أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ * أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ * أَمْ عِنْدَهُمُ الْعَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ * أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ * أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ)

سوره رحمن (...*فِيهَا فَآكِهَةٌ وَالتَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ * وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)

بدین ترتیب سجع متوسط بیشترین نقش را در انسجام آوایی سوره داشته است.

۴-۳-۳- سجع طولانی

از جمله نمونه‌های سجع طولانی که حجم بیش‌تری از متن را به وسیله‌ی سجع منسجم ساخته است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

وآیه‌ی ۲۱ سوره طور (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ).

و آیه‌ی ۳۳ سوره رحمن (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ)

همانطور که گفته شد برخی طول زنجیره‌ی سجع را در دو شکل قصیر و طویل ارزیابی کرده‌اند که سوره‌ی نجم از جمله سوری است که می‌توان آن را بر این اساس تقسیم بندی کرد بدین صورت که آیات این سوره در برخی از مقاطع کوتاه هستند اما این عبارات کوتاه با یک سجع یکسان و مشابه در تعداد بیشتری ذکر شده‌اند مانند این آیات:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ * ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ)

همانطور که می‌بینیم واژه‌های (الْهَوَىٰ - يُوحَىٰ - الْقُوَىٰ - اسْتَوَىٰ - الْأَعْلَىٰ - تَدَلَّىٰ - أَدْنَىٰ) که سجع‌های این مقطع از متن محسوب می‌شوند با طول کوتاه اما در تعداد بیشتری در راستای انسجام آوایی متن سوره قرار گرفته‌اند.

اما در برخی از مقاطع، آیات مسجع از طول بیشتری برخوردار هستند، که در این صورت حجم بیشتری از متن را منسجم می‌سازد؛

مانند آیات ۳۰-۳۲) ذَلِكْ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَى *

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى *

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن اتَّقَى)

با نگاه کلی به دو سوره قمر و واقعه در می یابیم که تقریباً تمامی ساختار آیات کریمه ای آن ها در طول متوسط آمده است، مانند:

سوره قمر) كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَذِيرٌ * إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ * فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَذِيرٌ * وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّرٍ

سوره واقعه (... لَأَكْلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ * فَمَا لَوْوُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنْ الْحَمِيمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ...)

انسجام بخشی آوایی سجع با طول فقرات متوسط در مرتبه ای دوم قرار دارد اما هماهنگی طول این فقرات در سراسر سوره، موجب شده است که گوش به هنگام شنیدن اسجاع آیات، با فاصله ای زمانی مشخص انسجام آوایی بیشتری را احساس کند چراکه در این صورت توازی و هماهنگی میان آیات نمود بیشتری یافته و انسجام آوایی آیات محسوس تر می گردد.

۴-۴- هنجارگریزی لفظی برای رعایت سجع

همانطور که پیش تر اشاره شد؛ ایجاد انسجام توسط آواها، ارتباط محکمی، به چگونگی توزیع اصوات و آواها در کلام دارد از این رو خداوند حکیم برای حفظ انسجام میان آیات این طریق، هنجارگریزی های لفظی ای را انجام داده است تا بدین وسیله ایجاد سجع کرده و انسجام آیات را محسوس تر سازد. برخی از علماء اینگونه از هنجارگریزی ها را به بیش از

چهل و یا حتی پنجاه مورد نیز رسانده‌اند. که در ذیل به برخی از این موارد که در سوره‌های مورد بحث آمده است می‌پردازیم:

آوردن لفظ غریب و نادر: در آیه‌ی ۲۲ سوره نجم (تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى) واژه‌ی (ضِيزَى) به جای واژه (جائزۀ) استعمال شده است. (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ۲۸) تا به وسیله‌ی سجع، انسجام و ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد از خود حفظ گردد.

تقدیم آنچه که در زمان، متأخر است: در آیه‌ی ۲۵ سوره نجم (فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى) واژه‌ی (الْآخِرَةُ) بر واژه‌ی (الْأُولَى) مقدم شده است تا اینکه با همسانی با دیگر آیات در سجع، ارتباط میان آیات حفظ شود. حال آنکه در غیر اینصورت بنابر اصل باید (الْأُولَى) که به لحاظ زمانی مقدم می‌باشد؛ پیش از واژه‌ی (الْآخِرَةُ) می‌آمد.

تقدیم اهم بر مهم: در آیه‌ی ۱ سوره قمر (اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ) خداوند اهم را بر مهم مقدم نموده است در صورتی که بنابر اصل باید به صورت (انْشَقَّ الْقَمَرُ وَ اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ) می‌آمد. (خلف بشیر، ۲۰۰۷م، ۵۰) ولی به دو دلیل اینگونه نیامده است: اول بدین وسیله اهمیت حادثه‌ی عظیم قیامت را بیان دارد و دیگر اینکه به لحاظ لفظی و آوایی فاصله‌ی میان آیات حفظ گردد تا همانطور که سوره به لحاظ معنایی در اوج انسجام قرار دارد، به لحاظ آوایی نیز انسجام و یکپارچگی متن سوره در اوج قرار گیرد.

حذف موصوف: در آیه‌ی ۱۳ سوره قمر (وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرٍ) موصوف حذف شده است و تقدیر عبارت بدین گونه است: (سَفِينَةُ ذَاتِ الْأَوَاحِ) در اینجا صفت به جای موصوف آمده و از آن نیابت کرده است زیرا جمع بین صفت و موصوف در این موضع، در فصاحت کلام خلل ایجاد می‌کند و لفظ (دُسِّرٍ) جمع (دسار) است به معنای (مسمار) که متناسب با ایقاع متن و فاصله‌های سوره آمده است. (خلف بشیر، ۲۰۰۷م، ۴۹)

تقدیم بیا اضافه: مانند آیه‌ی ۱۸ سوره قمر (كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي)، (السیوطی، ۱۴۰۸ق، ۲۷). این‌گونه از تقدیم و یا حذف مضاف‌الیه برای رعایت فاصله در آیات دیگری چون آیه‌ی (۱۶، ۳۷، ۳۰، ۲۱، ۳۹) که عبارت (عذابی و نذر) تکرار شده است، نیز آمده است.

ترجیح مذکر آوردن اسم جنس: در آیهی ۲۰ سوره قمر (تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ) در این آیه اسم جنس (نخل) هم می تواند مونث باشد و هم مذکر، که در این آیه برای رعایت فاصله جنبه‌ی مذکر بودن آن انتخاب شده است، در صورتی که در جای دیگر برای رعایت فاصله جنبه‌ی مونث بودن آن ترجیح داده شده است مانند آیهی ۷ سوره الحاقه (...كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٌ) و یا در آیهی ۵۳ سوره قمر (وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ) تذکیر جنس ترجیح داده شده در حالی که در آیهی ۴۹ سوره قمر کهف مونث آمده است: (...إِلَّا أَكْبَرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا...) (المرسی، ۱۴۲۰ق، ۹۹)

تاخیر چیزی که در اصل باید مقدم شود: در آیهی ۴۱ سوره قمر (وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ) فاعل که واژه‌ی (النذر) می باشد بر مفعول (آل فرعون) مقدم گشته است تا سجع میان آیات حفظ شود. (خضیر خلیل، بی تا، ۲۳۵)

مفرد آوردن چیزی که در اصل باید جمع آید: در آیهی ۵۴ سوره قمر (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ) واژه‌ی نهر در این موضع باید به صورت جمع (انهار) می آمد (السیوطی، ۱۴۰۸ق، ۲۹) ولیکن برای هم آوایی بیشتر با آیات قبل و بعد از خود به صورت مفرد آمده است.

به کارگیری صیغه‌ی تثنیه به جای صیغه مفرد: مانند آیهی ۴۶ سوره رحمن (وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ)

در این آیه واژه‌ی (جنتان) مثنی آمده است حال آنکه جنه در حقیقت یکی است و وقتی هم که به صورت جمع (جنتات) می آید بدین سبب است که آن درجاتی دارد و درجات، جمع است، لذا جمع می آید، ولی جز در سوره‌ی رحمن، جایی بهشت اخروی به صورت مثنی نیامده است. (خضر، ۱۴۲۰ق، ۱۱۴) درحقیقت چون سجع در آیات قبل و بعد از آن حرف (نون) بوده است، لذا برای حفظ وحدت فقرات و یکپارچگی آنها ایجاد تناسب آوایی با قبل و بعد خود، به صیغه‌ی تثنیه عدول شده است تا خللی در انسجام آوایی سوره پدیدار نگردد.

همانطور که می بینیم برای هماهنگی میان سجع‌های سوره، هنجارگریزی‌ها و دگرگونی‌هایی در آیات پدید آمده است، البته علماء پیشین، بیشترین توجهشان به سجع، از نگاه بلاغت سنتی بوده است و آنها علت این هنجارگریزی‌ها را نیز ایجاد تناسب و همسانی برای زیبایی و دلنشینی سخن می دانستند. برای مثال؛ تمام حسان در کتاب البیان فی روائع القرآن، با

مقایسه‌ی ساختارهایی از قرآن کریم با دیگر حالت‌های آن نتیجه می‌گیرد که نقش زیباشناسانه‌ی فاصله شایستگی آن را دارد که در نظر گرفته شود، گرچه مراعات آن با برخی شیوه‌های نحوی تعارض داشته باشد، و گروهی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که زیبایی و هماهنگی فواصل نمی‌تواند باعث بروز چنین تغییراتی شود، گرچه زیبایی لفظی حاصل این دگرگونی‌هاست، ولی سبب‌ساز آن نمی‌تواند باشد. واز این‌رو در اینجا اسرار و حکمت‌های دیگری در شیوه‌ی تعبیر قرآن وجود دارد که باید در میان نکات معنایی و بلاغی آن را جست. (خرقانی، ۱۳۹۲ش، ۲۱۰-۲۱۱) بدین‌روی بیشتر علماء بر جنبه‌ی بلاغی و یا معنایی سجع و از این قبیل صناعات توجه کرده‌اند، ولی کلام خداوند در چنان اوجی از اعجاز بیانی قرار دارد که نمی‌توان صرفاً به یک بُعد از آن نگریست، چرا که سجع‌های قرآن کریم از بعد مهم دیگری نیز قابل تأمل هستند که این جنبه‌ی مهم که شاید هدف اصلی از آوردن سجع و اعمال اینگونه هنجارگریزی‌ها برای تشکیل آن بوده، جنبه‌ی انسجام بخشی آن بر متن قرآنی بوده است.

به طور کلی چگونگی ارتباط آیات در سؤرمورد بحث به وسیله‌ی سجع را می‌توان طی جداول ذیل ارائه کرد:

جدول شماره (۱) سجع در سوره‌ی طور

عدد آیات	کلمات مسجع	نوع سجع	حرف روی
۲-۱	الطُّورِ - مَسْطُورِ	مطرف	راء
۴-۲	مَسْطُورِ - مَشُورِ - الْمَعْمُورِ	متوازی	راء
۶-۴	الْمَعْمُورِ - الْمَرْفُوعِ - الْمَسْجُورِ	متوازن	-
۸-۷	واقِعٌ - دافع	متوازی	عين
۱۰-۹	مَوْرًا - سَيْرًا	متوازی	الف
۱۲-۱۱	الْمُكْدَبِينَ - يَلْعَبُونَ	مطرف	نون
۱۳	دَعَا	منفرده	الف
۱۵-۱۴	تُكْدَبُونَ - تُبْصِرُونَ	مطرف	نون
۱۶-۱۵	تُبْصِرُونَ - تَعْمَلُونَ	متوازی	نون
۱۸-۱۷	نَعِيمٍ - الْجَجِيمِ	متوازی	ميم
۲۲-۱۹	تَعْمَلُونَ - عَيْنٍ - رَهِينٌ - يَشْتَهُونَ	مطرف	نون
۲۴-۲۳	تَأْتِيهِمْ - مَكُونُونَ	متوازن	-
۲۶-۲۴	مَكُونُونَ - يَسْتَأْمِنُونَ - مُشْفِقِينَ	مطرف	نون
۲۸-۲۷	السُّومِ - الرَّحِيمِ	متوازی	ميم
۳۴-۲۹	مَجْنُونٍ - الْمَنُونِ - الْمُرْتَكِبِينَ - طَاغُونَ - يُؤْمِنُونَ - صَادِقِينَ	مطرف	نون
۳۵-۳۴	صَادِقِينَ - الْخَالِقُونَ	متوازی	نون

نون	مطرف	الْعَالَمُونَ - يُوقِنُونَ - الْمُعْطِفُونَ - مُبِينٌ - الْبُنُونَ - مُنْظُونَ	۴۰-۳۵
نون	متوازی	مُنْظُونَ - يَكْتُمُونَ	۴۱-۴۰
نون	مطرف	يَكْتُمُونَ - الْمَكِيدُونَ - يُشْرِكُونَ	۴۳-۴۱
میم	منفرد	مُرْتَدُونَ	۴۴
نون	متوازی	يُضْعَفُونَ - يُصْرُونَ - يُعْلَمُونَ	۴۷-۴۵
میم	متوازی	تَقْوَمٌ - النُّجُوم	۴۹-۴۸

جدول شماره (۲) سجع در سوره ی نجم

عدد آیات	کلمات مسجع	نوع سجع	حرف روی
۳-۱	هَوَى - عَوَى - أَلْهَوَى	متوازی	الف
۹-۳	أَلْهَوَى - يُوحَى - الْقَوَى - اسْتَوَى - الْأَعْلَى - تَدْلَى - أَدْنَى	مطرف	الف
۱۰-۹	أَدْنَى - أَوْحَى	متوازی	الف
۱۱-۱۰	رَأَى - يَرَى	متوازی	الف
۱۵-۱۲	يَرَى - أَخْرَى - الْمُتَنَهَى - الْمَأْوَى	مطرف	الف
۱۶-۱۵	الْمَأْوَى - يَغْشَى	متوازی	الف
۱۷-۱۶	يَغْشَى - طَغَى	مطرف	الف
۲۲-۱۸	الْكُبْرَى - الْعُزَّى - الْأَخْرَى - الْأَنْبَى - ضِيْبَى	متوازی	الف
۲۵-۲۲	ضِيْبَى - الْهُدَى - تَمَنَّى - الْأُولَى	مطرف	الف
۲۷-۲۵	الْأُولَى - يَرْضَى - الْأَنْبَى	متوازی	الف
۲۹-۲۸	شَيْئًا - الدَّتِيَا	متوازی	الف
۳۶-۳۰	اهْتَدَى - الْحُسْنَى - اتَّقَى - تَوَلَّى - أَكْدَى - يَرَى - مُوسَى	مطرف	الف
۳۸-۳۶	مُوسَى - وَهَى - أَخْرَى	متوازی	الف

الف	متوازی	سَعَى - يُرَى	۴۰-۳۹
الف	مطرف	يُرَى - الْأَوْفَى - الْمُنْتَهَى - أَبْكِي	۴۳-۴۰
الف	متوازی	أَبْكِي - أَحْيَا - الْأَنْفَى - تُثْمِنِي - الْأُخْرَى - أَقْتِنِي - الشُّعْرَى - الْأُولَى - أَبْقَى - أَطْعَى - أَهْوَى - عَشَى	۵۴-۴۳
الف	مطرف	عَشَى - تَمَارَى - الْأُولَى	۵۶-۵۴
تاء مربوطه	متوازی	الْأَرْقَةُ - كَاشِفَةٌ	۵۸-۵۷
نون	مطرف	تَعَجَّبُونَ - يَبْكُونَ - سَامِدُونَ	۶۱-۵۹
واو	منفرده	اعْبُدُوا	۶۲

جدول شماره (۳) سجع در سوره‌ی قمر

عدد آیات	کلمات سجع	نوع سجع	حرف روی
۲-۱	القَمَرُ - مُسْتَمِرٌّ	مطرف	راء
۴-۲	مُسْتَمِرٌّ - مُسْتَقِرٌّ - مُرْدَجِرٌّ	متوازی	راء
۵-۴	مُرْدَجِرٌّ - النُّذُرُ	مطرف	راء
۶-۵	النُّذُرُ - نُكْرٌ	متوازی	راء
۹-۶	نُكْرٌ - مُنْتَصِرٌ - عَسِيرٌ - اِزْدَجِرٌ	مطرف	راء
۱۱-۹	اِزْدَجِرٌ - فَاَنْتَصِرُ - مُنْهَبِرٌ	متوازی	راء
۱۲-۱۱	مُنْهَبِرٌ - قَدِيرٌ	مطرف	راء
۱۴-۱۲	قَدِيرٌ - دَسِيرٌ - كَفِيرٌ	متوازی	راء
۱۹-۱۴	كَفِيرٌ - مُدَكِّرٌ - نُذِرٌ - مُدَكِّرٌ - نُذِرٌ - مُسْتَمِرٌّ	مطرف	راء
۲۰-۱۹	مُسْتَمِرٌّ - مُنْقَعِرٌ	متوازی	راء
۲۳-۲۰	مُنْقَعِرٌ - نُذِرٌ - مُدَكِّرٌ - النُّذُرُ	مطرف	راء
۲۶-۲۳	النُّذُرُ - سَعْرٌ - اَشِيرٌ - الْاَشِيرُ	متوازی	راء
۲۷-۲۶	الْاَشِيرُ - اصْطَبِرٌ	مطرف	راء
۲۸-۲۷	اصْطَبِرٌ - مُخْتَضِرٌ	متوازی	راء
۲۹-۲۸	مُخْتَضِرٌ - عَقَرٌ	مطرف	راء
۳۰-۲۹	عَقَرٌ - نُذِرٌ	متوازی	راء
۳۱-۳۰	نُذِرٌ - الْمُحْتَظِرُ	مطرف	راء
۳۲-۳۱	الْمُحْتَظِرُ - مُدَكِّرٌ	متوازی	راء
۳۳-۳۲	مُدَكِّرٌ - النُّذُرُ	مطرف	راء
۳۷-۳۳	النُّذُرُ سَجْرٌ سَجْرٌ - النُّذُرُ نُذِرٌ	متوازی	راء
۴۵-۳۷	نُذِرٌ - مُسْتَقِرٌّ - نُذِرٌ - مُدَكِّرٌ - النُّذُرُ - مُقْتَدِرٌ - الزُّبُرُ - مُنْتَصِرٌ - الدُّبُرُ	مطرف	راء
۵۰-۴۵	الدُّبُرُ - اَمْرٌ - سَعْرٌ - سَقَرٌ - قَدَرٌ - الْبَصْرُ	متوازی	راء
۵۵-۵۰	الْبَصْرُ - مُدَكِّرٌ - الزُّبُرُ - مُسْتَطِرٌّ - نَهْرٌ - مُقْتَدِرٌ	مطرف	راء

جدول شماره (۴) سجع در سوره ی رحمن

تعداد آیات	کلمات سجع	نوع سجع	حرف روی
۳-۱	الرَّحْمَنُ - الْقُرْآنَ - الْإِنْسَانَ	متوازی	نون
۷-۴	الْبَيَانَ - بَحْسَبَانَ - يَسْجُدَانَ - الْمِيزَانَ	مطرف	نون
۹-۷	الْمِيزَانَ - الْمِيزَانَ - الْمِيزَانَ	متوازی	نون
۱۱-۱۰	لِلنَّامِ - الْمَأْكَمِ	مطرف	میم
۱۲-۱۱	الْمَأْكَمِ - الرِّيْحَانَ	متوازن	-
۱۳-۱۲	الرِّيْحَانَ - تُكْذِبَانَ	مطرف	نون
۱۵-۱۴	كَالْفَخَّارِ - مَنْ نَارِ	مطرف	راء
۲۳-۱۶	تُكْذِبَانَ - الْمَعْرَبِينَ - تُكْذِبَانَ - يَلْتَقِيَانِ - يَبِغِيَانِ - تُكْذِبَانَ - وَالْمَرْجَانَ - تُكْذِبَانَ	مطرف	نون
۲۴	الْأَعْلَامِ	منفرده	میم
۲۶-۲۵	تُكْذِبَانَ - فَانَ	مطرف	نون
۲۷	الْإِكْرَامِ	منفرده	میم
۴۰-۲۸	تُكْذِبَانَ - شَانَ - تُكْذِبَانَ - الثَّقْلَانَ - تُكْذِبَانَ - بِسُلْطَانَ - تُكْذِبَانَ - تَنْتَصِرَانَ - تُكْذِبَانَ - كَالدَّهَانَ - تُكْذِبَانَ - وَلَا جَانَ - تُكْذِبَانَ	مطرف	نون
۴۱	الْأَقْدَامِ	منفرده	میم
۷۱-۴۲	تُكْذِبَانَ - الْمُعْجَمُونَ - آنِ - تُكْذِبَانَ - جَنَّتَانِ - تُكْذِبَانَ - أَفْئَانِ - تُكْذِبَانَ - تَجْرِيَانِ - تُكْذِبَانَ - زَوْجَانِ - تُكْذِبَانَ - دَانَ - تُكْذِبَانَ - وَلَا جَانَ - تُكْذِبَانَ - وَالْمَرْجَانَ - تُكْذِبَانَ - الْإِحْسَانَ - تُكْذِبَانَ - جَنَّتَانِ - تُكْذِبَانَ - مَدَاهِمَاتَانِ - تُكْذِبَانَ - نَصَاحَتَانِ - تُكْذِبَانَ - رُمَانَ - تُكْذِبَانَ - حِسَانَ - تُكْذِبَانَ	مطرف	نون
۷۲	الْحَيَامِ	منفرده	میم
۷۷-۷۳	تُكْذِبَانَ - وَلَا جَانَ - تُكْذِبَانَ - حِسَانَ - تُكْذِبَانَ	مطرف	نون
۷۸	وَالْإِكْرَامِ	منفرده	میم

جدول شماره (۵-۱) سجع در سوره ی واقعه

عدد آیات	کلمات سجع	نوع سجع	حرف روی (فاصله)
۳-۱	الْوَاقِعَةُ - كَادِبَةٌ - رَافِعَةٌ	متوازی	تاء مربوطه
۵-۴	رَجًا - بَسًا	متوازی	الف
۶-۵	بَسًا - مُنَبِّئًا	مطرف	الف
۸-۷	ثَلَاثَةٌ - الْمَيِّمَةُ	مطرف	تاء مربوطه
۹-۸	الْمَيِّمَةُ - الْمَشَامَةُ	متوازی	تاء مربوطه
۱۱-۱۰	السَّابِقُونَ - الْمُقَرَّبُونَ	مطرف	نون
۱۲	النَّعِيمِ	منفرد	میم
۱۴-۱۳	الْأُولَىٰ - الْآخِرِينَ	مطرف	نون
۱۵	مَوْضُونَةٍ	منفرد	تاء مربوطه
۲۴-۱۶	مُتَقَابِلِينَ - مُخَلَّدُونَ - مَعِينٍ - يُنزِفُونَ - يَتَخَيَّرُونَ - يَشْتَهُونَ - عَيْنٍ - الْمَكْتُونِ - يَعْمَلُونَ	مطرف	نون
۲۶-۲۵	تَأْتِيهَا سَلَامًا	مطرف	الف
۲۷	الْيَمِينِ	منفرد	نون
۳۰-۲۸	مَخْضُودٍ - مَنْضُودٍ - مَمْدُودٍ	متوازی	دال
۳۱-۳۰	مَمْدُودٍ - مَسْكُوبٍ	متوازن	-
۳۳-۳۲	كَثِيرَةٍ - مَمْنُوعَةٍ	مطرف	تاء مربوطه
۳۴-۳۳	مَمْنُوعَةٍ - مَرْفُوعَةٍ	متوازی	تاء مربوطه
۳۵	إِنْشَاءٍ	منفرد	تنوین
۳۷-۳۶	أَبْكَارًا - أَتْرَابًا	متوازی	الف
۴۰-۳۸	الْيَمِينِ - الْأُولَىٰ - الْآخِرِينَ	مطرف	نون
۴۱	الشَّمَالِ	منفرد	لام
۴۴-۴۲	حَمِيمٍ - يَحْمُومٍ - كَرِيمٍ	مطرف	میم
۴۵	مُتَرَفِّينَ	منفرد	نون
۴۶	الْعَظِيمِ	منفرد	میم

جدول شماره (۵-۲) سجع در سوره‌ی واقعه

۴۹-۴۷	مِعْوَتُونَ - الْأَوْلُونَ - الْآخِرِينَ	مطرف	نون
۵۰	مَعْلُومٍ	منفرده	میم
۵۱	الْمُكَذِّبُونَ	منفرده	نون
۵۲	زَقُومٍ	منفرده	میم
۵۳	الْبَطُونَ	منفرده	نون
۵۵-۵۴	الْحَمِيمِ - الْهِيمِ	مطرف	میم
۷۳-۵۶	الدِّينِ - تُصَدِّقُونَ - تُمَنُّونَ - الْخَالِقُونَ - مَسْبُوقِينَ - تَعْلَمُونَ - تَذَكَّرُونَ - تَخْرَثُونَ - الزَّارِعُونَ - تَفْكَهُونَ - مُغْرَمُونَ - مَخْرُومُونَ - تَشْرَبُونَ - الْمُنزِلُونَ - تَشْكُرُونَ - تُورُونَ - الْمُنشِئُونَ - لِلْمُتَّقِينَ	مطرف	نون
۷۶-۷۴	الْعَظِيمِ - النُّجُومِ - عَظِيمٍ	مطرف	میم
۷۷-۷۶	عَظِيمٍ - كَرِيمٍ	متوازی	میم
۸۲-۷۸	مَكْتُونٍ - الْمُطَهَّرُونَ - الْعَالَمِينَ - مُذْهِبُونَ - تُكذِّبُونَ	مطرف	نون
۸۳	الْخُلُقُومِ	منفرده	میم
۸۵-۸۴	تَنْظُرُونَ - يُبْصِرُونَ	متوازی	نون
۸۸-۸۵	تُبْصِرُونَ - مَدِينِينَ - صَادِقِينَ - الْمُقَرَّبِينَ	مطرف	نون
۹۰-۸۹	نَعِيمٍ - الْيَمِينِ	متوازن	-
۹۱-۹۰	الْيَمِينِ - الْيَمِينِ	متوازی	نون
۹۲-۹۱	الْيَمِينِ - الضَّالِّينَ	مطرف	نون
۹۴-۹۳	حَمِيمٍ - جَحِيمِ	متوازی	میم
۹۶-۹۴	جَحِيمِ - الْيَقِينِ - الْعَظِيمِ	متوازن	-

جدول شماره (۶) بسامد عنصر آوایی سجع

سجع					سوره
مجموع آیات مسجع	متفرده	متوازن	مطرف	متوازی	
۳۵	۲	۳	۲۰	۱۲	طور
۵۳	۱	۰	۲۶	۲۷	نجم
۵۴	۰	۰	۳۱	۲۳	قمر
۶۴	۵	۱	۵۹	۴	رحمن
۶۴	۱۲	۴	۴۸	۱۲	واقعه
۲۷۰	۲۰	۸	۱۸۴	۷۸	مجموع

جدول شماره (۷) نسبت عنصر آوایی سجع

سجع					تعداد آیات	سوره
مجموع آیات مسجع	متفرده	متوازن	مطرف	متوازی		
%۷۱.۴۲	%۴.۰۸	%۶.۱۲	%۴۰.۸۱	%۲۴.۴۸	۴۹	طور
%۸۵.۴۸	%۱.۶۱	%۰	%۴۱.۹۳	%۴۳.۵۴	۶۲	نجم
%۹۸.۱۸	%۰	%۰	%۵۶.۳۶	%۴۱.۸۱	۵۵	قمر
%۸۲.۰۵	%۶.۴۱	%۱.۲۸	%۷۵.۶۴	%۵.۱۲	۷۸	رحمن
%۶۶.۶۶	%۱۲.۵	%۴.۱۶	%۵۰	%۱۲.۵	۹۶	واقعه

بر اساس آنچه که در جداول فوق آمده است، در میان انواع سجع، تعداد آیاتی که به وسیله سجع مطرف به هم مرتبط گشته‌اند، بیش از انواع دیگر سجع است؛ سجع متوازی در مرتبه دوم از اهمیت انسجامی در این سوره قرار دارد و سجع متوازن کم اهمیت‌ترین عنصر انسجامی در این سوره‌ها به حساب می‌آید.

از سویی دیگر، در مورد حروفی که در ایجاد انسجام آوایی در سوره مورد بحث ایفای نقش کرده‌اند، می‌توان گفت که در سوره‌های طور، رحمن و واقعه، حرف «نون و میم» به سبب وضوح و آهنگین بودنش پربسامدترین آنها است، در سوره‌ی نجم حرف «الف مقصوره» و در سوره‌ی قمر حرف «راء» نقش اساسی در ارتباط اجزاء متن داشته است.

براساس جداول فوق در برخی از آیات عنصر انسجامی سجع وجود ندارد که این از یک سو نشان از عدم تکلف حق تعالی در آوردن کلام مسجوع دارد، چراکه ایجاد انسجام در یک متن با تکلف در آوردن عناصر انسجامی برای منسجم ساختن متن در تعارض است، و از سوی دیگر؛ قرابتی که حرف پایانی اینگونه آیات با حروف پایانی آیات قبل و بعد از خود دارد، به نوعی منجر به حفظ ارتباط میان آیات گشته است، برای مثال در آیه ۴۴ سوره طور (وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ) حرف فاصله (میم) میان آیاتی قرار گرفته است که به حرف نون ختم شده‌است که به ظاهر ارتباط آوایی میان آنها می‌باشد، ولیکن قرابت آوایی میان دو حرف (میم و نون) به حفظ ارتباط آوایی میان این آیات کمک شایانی کرده است چراکه این دو حرف هر دو از حروف مجهور (واکدار) انفجاری - سایشی و غنه (خیشومی) هستند و حتی در مخرج تلفظ نیز با یکدیگر قرابت دارند. و یا آیه‌ی ۴۱ سوره واقعه: (وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ) حرف فاصله‌ی (لام) میان آیات مسجوعی قرار گرفته است که مختوم به حروف «نون و میم» هستند، که میان حروف نون و میم با حرف لام نیز همان شباهت آوایی در مخارج و صفات حروف وجود دارد.

بنابراین تفصیلاً، از یک سو، به سبب عدم تکلف در مسجع ساختن سوره، برخی از آیات در ظاهر، بدین وسیله به یکدیگر مرتبط نشده‌اند، و از سویی دیگر برای حفظ انسجام آوایی در سراسر متن سوره، اکثر سجع‌های منفرد به‌گونه‌ای آمده‌اند که هرچند با آیات قبل و بعد از خود هم‌سجع نیستند ولی به سبب شباهت آوایی که با آنها دارد، خالی از انسجام آوایی نبوده و نقش برجسته‌ای در یکپارچه‌سازی متن سوره دارد.

از این رو باید گفت که سجع نقش بسیار برجسته‌ای در یکپارچه سازی متن سوره‌ها داشته است که نه تنها منجر به تکلف متن نشده است بلکه به صورت اعجاز گونه‌ای سبب انسجام آوایی تمام متن سوره شده است.

۵- نتیجه گیری

با بررسی روساخت آیات قرآن، در چندین سوره، صورت‌های زبانی سجع مشخص گردید که سجع به عنوان یک عامل انسجامی مهم نمود متنوع و آشکاری دارد و بخش عظیمی از آیات به وسیله‌ی سجع به یکدیگر مرتبط شده اند؛ در واقع می‌توان چنین بیان داشت که سجع، از اساسی‌ترین عناصر انسجام بخشی به متن سور مورد بحث محسوب می‌شود که موجب یکپارچگی تمام متن سور شده است. در میان انواع سجع، تعداد آیاتی که به وسیله سجع مطرف به هم مرتبط گشته‌اند، بیش از انواع دیگر سجع است؛ و این خود حکایت از آن دارد که آمدن سجع در متن قرآن بدون تکلف بوده است چرا که در این آیات صرف هماهنگی دو آیه در حرف روی یا به عبارتی دیگر آمدن سجع مطرف، برای ایجاد انسجام آوایی کفایت کرده و نیازی به آمدن سجع متوازی که بالاترین نوع سجع محسوب می‌شود، نبوده است، سجع متوازی در مرتبه دوم از اهمیت انسجامی در این سوره ها قرار دارد و سجع متوازن کم اهمیت‌ترین عنصر انسجامی در سور مورد بحث به حساب می‌آید. حرف روی به عنوان حرفی که از طریق تکرار و هم‌آوایی‌هایی که به وجود می‌آورد، سبب انسجام متن می‌گردد، بیشتر شامل حرف «نون و میم» می‌باشد، چراکه حرف نون از حروف غنه محسوب می‌شود و جایگاه مناسبی را برای وقف فراهم می‌سازد و حرف (راء و الف مقصوره) که در دو سوره‌ی قمر و نجم با بسامد بسیار بالایی تکرار شده است؛ در مرتبه‌ی بعد قرار دارد.

بدین ترتیب با توجه به آنچه که در این پژوهش آمد، مشخص و آشکار گشت که عنصر بدیعی سجع، علاوه بر زیباسازی و آهنگین نمودن کلام، موجب حفظ انسجام میان بخشهای مختلف متن نیز می‌شود، از این رو باید در تحلیل متون بیشتر از آنچه تاکنون بوده است، بدان توجه نمود چراکه انسجام از مباحث مهم و کلیدی در تحلیل و شناخت متن است و اساساً متن بدون آن وجود نخواهد داشت و یکی از سطوحی هم که نقش مهمی در انسجام متن دارد، بی‌شک عوامل بدیعی چون سجع می‌باشد که با ایجاد توازن میان آیات، ارتباط میان آن‌ها را شامل می‌شود که در نتیجه همین امر موجب انسجام

میان عبارات و آیات سوره گشته است و در کنار دیگر عوامل بدیعی نقش بسزایی در انسجام بخشی به متن قرآن دارد.

منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

۱. آفاگل زاده، فردوس و علی افخمی، زبانشناسی متن و رویکردهای آن، مجله زبانشناسی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار و تابستان
۲. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی. (۱۳۹۲ش)، «بررسی انسجام و پیوستگی درسوره‌ی صف بارویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، صص ۶۵-۹۵
۳. البرزی، پرویز. (۱۳۸۶ش)، «مبانی زبانشناسی متن»، (چاپ ۱)، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۴. بهنام، بیوک. (۱۳۸۱ش)، «جایگاه ادبی نهج‌البلاغه: تحلیل گزیده‌هایی از کلام امام علی (ع)». مقالات و بررسیها، دفتر ۷۲، صص ۶۱-۷۹
۵. خرقانی، حسن. (۱۳۹۲ش)، «زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع»، (چاپ ۱)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶ش)، «نگاهی تازه به بدیع»، (چاپ سوم)، تهران: میترا.
۷. طاهرخانی، جواد. (۱۳۸۳ش)، «بلاغت و فواصل قرآن»، جهاد دانشگاهی، چاپ ۱.
۸. محبتی، مهدی. (۱۳۸۰ش)، «بدیع نو(هنر ساخت و آرایش سخن)»، تهران: سخن.
۹. نظری، علیرضا. (۱۳۸۹ش)، «کارکرد عوامل انسجام متنی در خطبه‌های نهج‌البلاغه (براساس الگوی نقش- گرای هالیدی)»، رساله‌ی دکتری زبان و ادبیات عربی، تربیت مدرس.
۱۰. الهاشمی، احمد. (۱۴۱۷ق)، «جواهر البلاغه فی المعنی و البیان و البدیع»، (الطبعة السادسة)، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.

منابع عربی

١. ابن اثير، ضياء الدين. (بي تا)، «المثل السائر في ادب الكاتب و الشاعر»، القسم الأول، قدمه و علقه: احمد الحوفي و بدوى طبانة. القاهرة، دار النهضة.
٢. ابن منظور الإفريقي المصري، جمال الدين محمد بن مكرم. (١٤٢٦)، «لسان العرب»، مراجعة و التدقيق: يوسف البقاعي، ابراهيم شمس الدين، نضال على. (الطبعة الأولى)، بيروت- لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٣. بحري، نواره. (٢٠١٠م) ، «نظريه الانسجام الصوتی وأثرها في بناء الشعر (دراسة وظيفية-تطبيقية في قصيدة «الموت والاضطرار» للمتنبي». رساله دکتري، الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية، جامعة الحاج لخضر- باتنة-.
٤. الحسنای، محمد. (١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م)، «الفاصلة في القرآن»، (الطبعة الثانية)، عمان: دارعمار.
٥. خضر، السيد. (١٤٢٠ق)، «فواصل الآيات القرآنية»، مكتبة الآداب.
٦. خضير خليل، أنسام. (بي تا)، «الجرس والإيقاع في الفواصل القرآنية». مجلة كلية الآداب، جامعة بغداد، العدد ٩٨
٧. خطابی، محمد. (٢٠٠٦م)، «لسانيات النص مدخل إلى انسجام الخطاب»، (الطبعة الثانية)، بيروت: المركز الثقافي العربي.
٨. خلف بشير، خليل. (٢٠٠٧م)، «من ظواهر الأسلوبية في سورة القمر»، جامعة البصرة، كلية الآداب، مجلة آداب البصرة، العدد ٤٤.
٩. السكاكي، محمد بن علي. (١٩٨١م)، «مفتاح العلوم»، (الطبعة الأولى) به تحقيق اكرم عثمان يوسف. بغداد: دار الرسالة
١٠. السيوطي، جلال الدين أبي بكر. (١٤٠٨ق)، «معتزك الأقران في اعجاز القرآن»، (الطبعة الأولى)، ج اول، به تصحيح احمد شمس الدين، بيروت- لبنان: دار الكتب العلمية.
١١. فرج، حسام احمد. (٢٠٠٧م)، «نظريه علم النص»، القاهرة: مكتبة الآداب، ط ١.
١٢. المرسى، كمال الدين عبدالغنى. (١٤٢٠ق)، «فواصل الآيات القرآنية»، (الطبعة الأولى)، المكتب الجامعي الحديث اسكندرية.
١٣. مطلوب، احمد. (١٤٢٧ق)، «معجم المصطلحات البلاغية وتطورها»، (الطبعة الأولى)، ج دوم، الدار العربية للموسوعات.

منابع لاتین

1.Halliday & Hasan, Cohesion in English, London: Longman,1976

